



خط وطن؛ خط سوم

ائتلاف شمال یا جنوب؟

واینکه چگونه میتوانیم بحران کشور خود را بمثابة یک مفهوم جامعه شناسیک، شناسایی کنیم باید گفت که متأسفانه ما در کشور خود نتوانسته ایم نظام مفاهیم ایجاد کنیم و مفاهیمی را که در دیگر جاها و در بسترهایی کاملاً متفاوت از کشور ما بمیان آمده اند، یعنی در بسترهای متعالی با پشتوانه هایی بزرگ علمی و فرهنگی زایش و پیدایش یافته، رشد کرده و پخته شده اند، ما آگاهانه یا ناآگاهانه آنها را به عاریت گرفته و قبل از بلوغ یافتگی، در بستر بسیار تنگ و تاریک و کم بار و حتی نازای کشور ما مورد استفاده قرار میدهیم. بکارگیری هوشمندانه از مفاهیمی چون ائتلاف و سازماندهی عملی و دقیق آنها با در نظر داشت شرایط و مطالبات افغانستان نهایت ارزشمند و مهم می باشد.

اگر پذیرا شویم که ائتلاف توافقی میان دو یا چند طرف برای حمایت از یکدیگر به منظور پیشبرد منافع متقابل است؛ این توافق لازم است در درون بستر منافع ملی کشور سازمان داده شود.

در این آواخر ما شاهد زایش و شکلگیری ائتلافهایی چند می باشیم. با یک نگاه ساده به ترکیب وجودی این ائتلافها هویت سمتی و قومی آنان آشکار میشود. افغانستان در وضعیتی نیست که توان تحمل درد چنین تقابلی و چند دستگی کلان را داشته باشد. ما با نیت گردانندگان آنها و همچنان با این مساله که آیا واقعاً آنها رهبران و نمایندگان آن سمتها، اقوام و ملیتها هستند یا نه، کاری نداریم؛ دغدغه ما اینست که ایکاش این ائتلافها از جنس مشرقی و مغربی، شمال و جنوب نمی بودند. در حقیقت نفس ائتلاف منحیث پدیده همگرایی، قابل تحسین و قدر است. از آنجاییکه شرایط کشور ما بسیار حساس، بافت و افتاده گی اتنیکی جامعه پیچیده می باشد؛ ذات این مساله ایجاب دقت و احتیاط هوشمندانه را میکند.

پرسش اصلی اینست :

❖ کجا شد اجماع ملی که پیشکسوتان این ائتلافها رکلام میکردند؟

❖ چه شد که اجماع ملی آنها سر از آستین اجماع محلی برآورد؟



پرسش دیگر اینکه آیا ائتلافی که افغانستان شمول نباشد، میتواند ضامن حفظ وحدت ملی و یکپارچگی کشور گردد؟

تشویش کلان وجود دارد که ائتلاف ها از این جنس جامعه را به انقطاب و انشقاق دیگر میکشاند و خواسته یا ناخواسته آب به آسیاب خلق و گسترش بحران تا سرحد تجزیه کشور می ریزد.

بایسته است تا پیشکسوتان این ائتلاف ها با درس گیری از آموزه های پنهانی و خوابیده در سلول های خاطره تاریخ، گفتمان ملی را بر محور حفظ و تقویت وحدت ملی، نجات کشور از بحران چند بُعدی و تشریک مساعی در جهت حفظ و تقویت اقتدار ملی راه اندازی و عملی نمایند، تا سرخ روی تاریخ گردند.

شایسته است تا ائتلاف ها توجه خویش را از اقتدار خودی به سوی اقتدار ملی و هویت ملی بچرخانند. نباید کاری کرد که هویت ملی ما منحیث یک گفتمان قادر نشود تا به مثابه یک موجودیت یکپارچه عرض اندام کند، نباید اجازه داد تا این موجودیت در نتیجه خود خواهی، غفلت و تصمیم نا بخردانه، گسسته و جدا بافته شود.

برای نجات افغانستان از وضعیت موجود و جلوگیری از تداوم تلخ مصیبت جاری به وفاق ملی و اجماع ملی واقعی یعنی ائتلاف (های) افغانستان شمول ضرورت است. نه تقسیم کشور به شمال و جنوب و شرق و غرب. این است **خط وطن؛ خط سوم**.

من نه از شرق و شمالم نه هم از غرب و جنوب

"یادمان باشد اگر گل چیدیم،
عطر و برگ و گل و خار،
همه همسایه دیوار به دیوار همند."



پیروزی افغانستان